

محمود بهروزی

ساری

مختصری از شرح حال سید محمد طاهری (شهاب)

رفت از برمن آنکه مرا مونس جان بود



سید محمد طاهری متخلص به (شهاب) چشم و چراغ مازندران و مایه افتخار مردم ادب دوست و فرهنگ پرور این سامان از دنیا رفت مرا و دوستان و علاقمندان خود را در غمی جانکاه و اندوهی بی پایان فروبرد. بی آنکه رفتن یکبارگی او و رنج دوری و حرمان مهجوری ناشی از این انتقال و ارتحال بتواند خاطره های لذت بخش محضر گرم و شیرین وی را دمی از یاد دوستداران خود محو کند. فقید سعید خدماتی شایان و گرانبها برای فرهنگ و ادب مازندران انجام داده و هنوز کارهایی از این قبیل در دست اقدام و اتمام داشته است که اگر مهلتش بسر نرسیده بود با تکمیل اقدامات مذکور باب دیگری بر ابواب خدمات درخشان و ذیقیمت فقید گشوده و از این رهگذر تحسین جهانیان بر انگیزخته میشد. او رفت و زود رفت. میباید زنده میبود تا کارهای نیمه تمام ادبی خود را بانجام برساند و بر مفاخر مازندران و صفحات تاریخ معاصر زینتی فوق العاده و رونقی بسزا ببخشد.

امیداست باز ماندگانش بخصوص صبیبه منحصر بفرد فقید و فاضل نبیل وقاضی جلیل آقای مرتضی اسمعیلی جهد وافی و اهتمام کافی مصروف و مبذول بدارند تا یاد داشتهای پراکنده فقید جمع آوری و آنها که مدون است در وهله نخست بحلیه طبع و زیورنشر متحلی و آراسته شود تا همگان را از اینراه حظی و افرولذتی بی اندازه نصیب افتد آری . طاهری رفت و من ماندم . من که وجودم منشاء خاصیتی نیست میباید میمردم و او که سرشار از ذوق و فریحه و هنر و استعداد بود زنده میبود تا باشب زنده داربهای مداوم خود شعر و سخن را در این سن قحط سال هنر و کسادی بازار ادب زنده نگاه دارد .

بخود گفتم که خاقانی دریغا گوی من گردد

دریغا من شدم اکنون دریغا گوی خاقانی

با همه ناتوانی که بیماری توانفرسای سالهای اخیرش موجب بود همه شب تا سحرگاه بیدار می نشست و مشغول تنقیح و تصحیح آثار خود و دیگران بود و دمی از کار و کوشش فرو نمیگذاشت .

طاهری که (شهاب) تخلص میکرد زمان مرگ پنجاه و پنجساله بود . او هم مثل هر فرد مسلمان بمرگ محتوم میاندیشیده و درضمن غزلی گفته است :

جمع و تفریق است کار زندگی غافل مباش

انصال جسم و جان را انفصالی در پی است

نام پدرش سید اسمعیل اصلا اهل قم بوده ولی از سالهای جوانی در ساری سکونت گزیده - مردی باسواد و شاعر و دردستگاه مرحوم سردار جلیل کلبادی صاحب مقام و عنوانی بوده است .

سید محمد طاهری تحصیلات خود را در ساری و قم انجام داده بعد در اداره ثبت اسناد ساری استخدام و مشغول کار شده ولی چون از کارهای دولتی بیزار میجسته

و بشغل آزاد عشق میورزیده بزودی از ادامه خدمت در ثبت اسناد منصرف و مشغول کارهای زراعتی گردیده - بیشتر اوقات او در خانه بمطالعه میگذشته - صاحب کتابخانه - ایست غنی که در حدود مازندران از نظر حجم و وسعت کتابخانه و تعداد کتاب و کیفیت آنها کسی را چنین کتابخانه نیست . او این کتابها را در طی سالهای عیدیه با - خون دل جمع آوری و با شور و علاقه ای وصف ناشدنی دسته بندی و فهرست - نگاری کرده - تعداد کتابها که بیشتر آنها کمیاب و پربهاست در حدود پنجهزار جلد است که همه آنها را صبیبه و داماد مرحوم طاهری فعلا تحت نظارت و حفاظت مستقیم خود قرار داده اند .

مرحوم طاهری بجمع آوری مرتب آثار خود همت نمیکشیده ولی با همه مطبوعات، روزنامهها و مجلههای ادبی و علمی بویژه مجله وزین ارمغان مکاتبه داشته و آثار خود را برای آنها میفرستاده است.

طاهری پرکار و در انجام امور ذوقی خستگی ناپذیر بوده و بیشتر اوقات را صرف تدوین و تألیف کتاب و تنقیح آثار گذشتگان میکرد است . کتابهایی که تا - کنون انتشار داده بدین شرح است :

- (۱) شرح حال بزرگمهر (۲) دودمان علوی در مازندران (۳) سخنان شهریاران
- (۴) کلیه سعادت (۵) گنجینه های تاریخی مازندران (۶) تاریخ کبود جامگان (۷)
- یاران علی (۸) آتشکده کوهسان .

بعلاوه دو اوین عسجدی - مهستی گنجوی - فلکی شروانی - صوفی مازندرانی و ملک الشعراء طالب آملی را با تصحیح و تحشیه خود چاپ و منتشر کرده است .

نمونه ای از آثار گویندگان و شعرای گذشته مازندران را با مراجعه بسفینهها و جنگها و تذکره های مختلف و با زحمات متمادی جمع آوری و آماده چاپ کرده که مهلت انجام و اتمام این خدمت ارزنده را نیافته است اگرچه مقداری

از این کتاب در شماره‌های اخیر مجله ارمغان متدرجاً چاپ شده است .
 طاهری دوست می‌داشت که در کار تألیف و تدوین کتاب از اساتید فن مدد جوید و
 باستعانت و راهنمایی آنان هر گاه در تألیفات خود بنقائصی برخورد آنها را برطرف
 کند از اینروست که دیوان مهستی گنجوی و فلکی شروانی را برای استاد سید محمد -
 علی جمال‌زاده در زنو فرستاده و از معظم‌له خواسته بوده است که بدانها نقد بنویسد .
 استاد هم راجع به مهستی گنجوی شرح کافی مرقوم داشته‌اند که در شماره‌های سال
 گذشته ارمغان بچاپ رسیده و همگان از مطالعه آن مقالات ارزنده تمتع یافته‌اند
 راجع به فلکی شروانی هم نظریه استاد جمال‌زاده که البته تقریظ از برداشت کار و
 زحمات مرحوم طاهری است اخیراً بساری رسیده که متأسفانه وصول آن مصادف
 بود با بحران بیماری طاهری و سرانجام وفات آن مرحوم در بیستم فروردین ماه ۱۳۵۰ .
 امید است آقای اسماعیلی نوشته استاد را رونویس و برای چاپ در مجله ارمغان
 آماده کند تا هم علاقمندان از این نوشته‌ها سود جویند و هم روان مرحوم طاهری
 را شادی فزاید . -

اینک چند نمونه از اشعار این شاعر از دست رفته را می‌آورم و باین مقال
 پایان میدهم .
 ما را رخ آن نگار میباید و نیست
 این باغ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 اندوهی در میان نمی باید هست .
 معشوقی در کنار میباید و نیست .
 دلی بکار میباید و نیست .

خوش است صحبت یاران در این جهان‌ورنه

جهنمی است بهشتی کز آشنا خالی است

ما بناکامی بهار عمر از کف داده‌ایم

ای بهار آرزوها از بهار ما مپرس

اختر ما را بجز در پهنه ظلمت مجوی

پرتو ما را جز از شمع مزار ما مپرس